

مهدی مرتضوی*

چکیده:

خلیج فارس که امروزه به دلیل انرژی فسیلی مورد توجه قدرتهای بزرگ است، روزگاری محل اصلی ارتباطات اقوام و دولتها بوده است. تمامی باستان‌شناسانی که در خصوص خلیج فارس فعالیت می‌نمایند، به این امر اذعان دارند که منطقه فوق‌نخب اقتصادی تمدنهای بزرگ در طول تاریخ بوده است. هرچند امروزه مسأله نفت اهمیت ارتباطی خلیج فارس را تحت الشعاع قرار داده است، اما نگاه ویژه برخی از باستان‌شناسان به این منطقه و کنکاش در خصوص پیشینه منطقه دستاویزی برای کشورهای عرب حوزه دریای عمان و خلیج فارس گردیده است تا از آن طریق بتوانند بر منابع انرژی بیشتری مسلط شوند. در واقع، ادعاهای آنان در خصوص مالکیت بر برخی از جزایر ناشی از این امر است که برخی از باستان‌شناسان سودجوز مینه‌ساز این ادعاها هستند. مقاله حاضر، درصدد است ضمن برشمردن اهمیت خلیج فارس از دیدگاه باستان‌شناسی، برخی از فعالیتهای باستان‌شناسی را که بر التهاب سیاسی منطقه می‌افزود، مورد نقد و بررسی قرار دهد.

کلید واژه‌ها: خلیج فارس، باستان‌شناسی، انرژی فسیلی، حلقه ارتباطی

* استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هفدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۹، صص ۷۰-۴۱

خلیج فارس که در ۲۴ درجه، ۳۰ دقیقه و ۳۰ ثانیه شمالی و ۴۸ درجه، ۵۶ دقیقه و ۳۰ ثانیه شرقی قرار گرفته است، حدوداً ۱۰۰۰ کیلومتر طول و ۲۰۰ تا ۳۵۰ کیلومتر عرض دارد. تنگه هرمز کم‌عرض‌ترین بخش خلیج فارس با حدود ۶۰ کیلومتر می‌باشد.^۱ پهن‌ترین قسمت خلیج فارس از بوشهر تا قطیف در ساحل عمان حدود ۴۶۵ کیلومتر است.^۲ خلیج فارس با وسعت تقریبی ۲۳۰ هزار کیلومتر مربع پهنه جنوب و جنوب غربی کشورمان را در بر گرفته است.^۳ این مساحت اندکی بیش از نصف مساحت دریای خزر با حدود ۴۲۴ هزار کیلومتر مربع است. خلیج فارس هلالی شکل یا به قول قدما مثلث شکل است. تمامی بخش شمالی ساحل خلیج فارس در ایران قرار گرفته است، در حالی که در ساحل جنوبی، شیخ نشینها، امیرنشینها و سلطان نشینهای عربی قرار گرفته‌اند.^۴

منطقه خاورمیانه به دلیل موقعیت خاصی که دارد همواره مورد توجه دولتها و قدرتهای بزرگ بوده است. علاوه بر آن، منطقه‌ای که خلیج فارس در آن واقع شده به دلیل برخورداری از منابع فسیلی و انرژی بر اهمیت آن افزوده است. این امر تا بدان حد است که در برخی از مواقع فرستاده‌های قدرتهای بزرگ به بهانه مطالعات و فعالیتهای علمی، به انجام فعالیتهای سیاسی می‌پرداختند. در واقع قبل از پیدایش نفت در منطقه، کوبرهای کشورهای حاشیه خلیج فارس بنا به دلایل زیادی مشابه دریاهای آزاد بود. بادیه نشینان و شتران آنها در این وادی به دلخواه طی طریق می‌کردند. با توجه به اینکه محدوده قبایل چندان مشخص نبود، نشانه‌های تسلط دولتی متمرکز خارج از بنادر کمتر به چشم می‌خورد.^۵ اما پس از کشف منابع فسیلی، توجه قدرتهای بزرگ معطوف منطقه گردید و در این بین سعی کردند تا گوی رقابت را از یکدیگر برابند. پس از این دوره بود که مطالعات مربوط به خلیج فارس نیز وارد دوره تازه‌ای شد. مهم‌ترین این مطالعات مبتنی بر نام خلیج فارس می‌باشد که محققان زیادی در مورد آن مطلب نگاشته‌اند. مراجعه به متون قدیمی و سفرنامه‌ها در صدر مطالعات منطقه قرار گرفت. پس از کشف نفت در منطقه بود که مسأله مرزهای آبی و خشکی و محدوده قلمرو کشورهای ساحلی مطرح می‌گردد. در این زمان است که اختلافات بر سر حاکمیت بر

بخشهایی از خلیج فارس و حتی نام آن جنبه ملموس پیدا می کند. البته قبل از اکتشافات نفتی، مرزهای سیاسی کشورهای حاشیه خلیج فارس مبهم و نامشخص بود.^۶

اهمیت منطقه ای خلیج فارس

در میان مناطقی که در بخش موسوم به خاورمیانه، به عنوان مناطق ژئوپلیتیک مستقل و متمایز شناخته می شوند، خلیج فارس مدل یگانه ای از یک مدل منطقه ژئوپلیتیک را ارائه می دهد. این منطقه شامل مللی می شود که از دیدگاه فرهنگی متفاوت هستند اما از نظر مشغله های سیاسی، راهبردی و اقتصادی هماهنگی و تجانس دارند. این منطقه دربرگیرنده کشورهای ایران، عراق، عربستان سعودی، کویت، عمان، امارات متحده عربی، قطر و بحرین می باشد. علاوه بر این کشورها که هم کرانه هستند، پاکستان نیز به دلیل نزدیکی جغرافیایی، مبادلات گسترده بازرگانی و نیروی انسانی، علایق زیادی در این منطقه دارد که این عامل در گفتگو پیرامون منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس قابل اعتناست. این کشور سالها کوشیده است تا از راه روابط نزدیک با ایران همکاری خود را در منطقه خلیج فارس گسترش دهد.^۷

یکی از مهم ترین وظایفی که خلیج فارس در طول تاریخ بر عهده داشته است و تصور می رود که هنوز هم این وظیفه خطیر را ایفا می کند، همانا وظیفه حلقه ارتباطی بودن این منطقه مهم می باشد. بر اساس مطالعات باستان شناسی، شواهدی از دوران عبید^۸ عصر مفرغ^۹، دوران تاریخی ایران اعم از هخامنشی، سلوکی، اشکانی و ساسانی^{۱۰} و دوران اسلامی^{۱۱} می توان به اهمیت خلیج فارس پی برد. امروزه نیز خلیج فارس به عنوان یک حلقه ارتباطی مهم بین مناطق مختلف ایفای نقش می کند.

در سال ۱۸۳۸ میلادی یعنی هنگامی که محمد شاه قاجار در حال محاصره هرات بود، حاکم ترک عراق به بهانه های واهی و با استفاده از فرصت درگیری قوای ایران در شرق، بندر محمره (خرمشهر فعلی) را، که رقیب تجاری بندر بصره بود، مورد حمله و تجاوز قرار داد و بخش مهمی از آن را ویران کرد. در طی این تجاوز خسارات عمده ای به بازرگانان این بندر وارد کرد. این حادثه و وقایع دیگر که به کشمکش و نزاع میان ایران و عثمانی منجر شده بود، زمینه

مداخله دولتهای روسیه و انگلستان را برای رفع خصومت و تحدید حدود مرزی فراهم آورده بود. بدین ترتیب، کنفرانس ارزروم با شرکت چهار دولت (ایران، ترکیه، روسیه و انگلستان) تشکیل و به عقد پیمان موسوم به ارزروم دوم منجر شد. مذاکرات مربوط به این قرارداد از سال ۱۸۴۳ میلادی تا سال ۱۸۴۷ میلادی به طول انجامید. از جمله مفاد این قرارداد، انصراف ایران از دعوی خود بر سلیمانیه و قسمت غربی ذهاب بود که به طور متقابل دولت عثمانی حق حاکمیت ایران بر بندر محمره، جزیره خضر و کناره چپ اروندرود و حق کشتی رانی ایران را از مصب اروندرود تا نقطه ای که مرزهای ایران و ترک را در این رودخانه به هم وصل می کنند، به رسمیت شناخت. در واقع، دولت انگلستان با آگاهی از اهمیت خلیج فارس در پوششی دیگر نیات استعماری خود را در خلیج فارس اعمال می کرد. از جمله می توان به سخنان سر اوستین هنری لایارد که خود از جانب انگلستان در این مذاکرات حضور داشت، اشاره نمود که می گوید: «من از این پیشامد فوق العاده غمگین بودم (۱) زیرا محمره یک محل بسیار مهم است و برای دولتی که در شرق تجارت و منابع سیاسی دارد، از نهایت درجه اهمیت برخوردار است. شهر محمره به مدخل فرات و دجله مشرف است و از اینجا تا قلب مملکت آسیایی دولت عثمانی قابل کشتی رانی می باشد. از محمره به رود کارون، که از حاصل خیزترین مناطق ایران - که در حال حاضر بایر افتاده است - است، می توان دسترسی پیدا نمود. در آینده این رودخانه ها معابر بزرگ تجارت و لشکر کشیها واقع خواهند شد؛ بالاخره منافع دولت انگلیس اقتضا دارد که مصب این رودخانه به دست دولتی نیفتد که در آتیه ممکن است دشمن انگلیس باشد.»^{۱۲}

مطلب فوق گویای اهمیت بالای تجاری خلیج فارس می باشد که امروزه توجه قدرتهای بزرگ اروپایی و آمریکا را به خود جلب نموده است. چنین وضعیتی در دوران باستان به ویژه در هزاره سوم قبل از میلاد در منطقه حاکم بوده است؛ یعنی اهمیت ارتباطی و تجاری خلیج فارس آن را به عنوان منطقه ای مهم در مبادلات تجاری شرق و غرب مطرح کرده بود. وجود منابع مهم انرژیهای فسیلی از دیگر عوامل اهمیت خلیج فارس می باشد. طی چند دهه ای که از شروع بهره برداری از منابع نفتی می گذرد، دانشمندان انرژی و اقتصاد

قابلیتهای جدیدی را برای نفت یافته اند که اهمیت آن را طی گذشت ایام افزایش داده است، به طوری که طی جنگ دوم جهانی نفت به عنوان یک ماده راهبردی شناخته شد و طی چند دهه پس از آن اهمیت دسترسی به آن در قابلیت رقابت اقتصادی کشورهای صنعتی با یکدیگر، و به همان نسبت در رقابت سیاسی و نظامی کشورها مسجل گردید. بسیاری از تحلیلگران پیشرفت اقتصادی آمریکا در چند دهه پس از جنگ دوم جهانی را مرهون منابع نفتی این کشور می دانند. از دل صنعت نفت آمریکا بزرگ ترین غولهای اقتصادی این کشور، یعنی شرکتهای بزرگ نفتی، ظهور کردند که در واقع طی نیم قرن گذشته بسیاری از سیاستهای اقتصادی و سیاسی جهان را تحت تأثیر قرار داده اند. درک حیاتی بودن نقش نفت موجب شد که کشورهای مقتدر جهان برای جنگ انداختن به منابع ارزشمند آن به هر شکل ممکن تلاش کنند.^{۱۳} خلیج فارس نیز از این امر مستثنا نگردید و همواره مورد توجه قدرتهای بزرگ اقتصادی جهان بوده و هست. اختلافها، درگیریها و جنگهای این منطقه به طور عمده منشاء اقتصادی داشته است.

در واقع درگیریهای قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم در حوزه خلیج فارس و دریای عمان، از جمله شواهدی هستند که گویای اهمیت این منطقه بزرگ است. حمله اتحاد جماهیر شوروی سابق به افغانستان در پی وصیت پطر کبیر، تزار معروف روسیه، برای دسترسی به آبهای گرم جنوب،^{۱۴} جنگ خلیج فارس و حمله به عراق در سال ۱۹۹۱ و جنگهای آمریکا و متحدانش با افغانستان و عراق پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱^{۱۵} از جمله اقدامات کشورهای صنعتی و قدرتمند برای تسلط بر این منطقه حساس بوده اند.

اهمیت باستان شناسی خلیج فارس

به رغم شهره جهانی خلیج فارس به عنوان منطقه ای بسیار مهم که سهمی اساسی در اقتصاد جهانی دارد، سهم مطالعات باستان شناسی این منطقه بسیار ناچیز می باشد. متأسفانه عمده مطالعات محدود باستان شناسی که در این منطقه حساس انجام شده است توسط باستان شناسان خارجی بوده است که بی طرف نیز نبوده اند. بر اساس مطالعات

موجود، قدیمی ترین شواهد موجود در حاشیه شمالی خلیج فارس مربوط به شواهدی از دوره عبید در بین النهرین (۵۵۰۰-۵۰۰۰ قبل از میلاد) است که در بوشهر و میناب دیده شده اند.^{۱۶} همچنین باید اشاره کرد که باستان شناسانی همچون ویت کام و وایت هاوس اشاره کرده اند که احتمالاً شواهد پیش از تاریخ در حلیله قابل مشاهده است. مطالعات هیات مشترک ایران-انگلیس (دانشگاه دورهام) به سرپرستی توفیقیان و کارتر در پاییز ۱۳۸۳، گویای وجود محوطه های پیش از تاریخ هم زمان با دوره عبید در سواحل شمالی خلیج فارس، یعنی در محوطه ای در حدود ۱۵ کیلومتری از دریا و بندر ریگ است. سفالهای مایل به سبز با نقوش هندسی به رنگ قهوه ای و قطعات تیغه های سیلیکس که قابل مقایسه با نمونه های بین النهرین و سواحل جنوبی خلیج فارس است، گویای ارتباط تجاری این منطقه با مناطقی از حاشیه جنوبی خلیج فارس و بین النهرین در هزاره های ششم و پنجم قبل از میلاد است.^{۱۷} در اواخر هزاره چهارم و در طول هزاره سوم قبل از میلاد، تمدنهای شهرنشین در بین النهرین، دره هند و جنوب شرق ایران ظهور کردند. در واقع، این تمدنها با یکدیگر ارتباطات اقتصادی تنگاتنگی به وجود آوردند.^{۱۸} این ارتباط چنان تمدنهای فوق را به یکدیگر وابسته ساخته بود که زوال و فروپاشی هر یک موجبات فروپاشی تمدن دیگر را نیز فراهم می آورد.^{۱۹} البته مطابق متون سومری و اکدی، رفت و آمدهایی به منظور فعالیتهای بازرگانی در خلیج فارس در هزاره سوم قبل از میلاد برقرار بوده است. بر اساس این متون مردم بین النهرین از این راه مس، چوب، عاج، سنگهای نیمه قیمتی و حتی پیاز وارد می کرده اند.^{۲۰} تصور می رود که حاشیه شمالی خلیج فارس نیز سهم بسزایی در معادلات تجاری هزاره چهارم و سوم قبل از میلاد ایفاء کرده باشد. هر چند شواهد این ارتباط در حاشیه شمالی خلیج فارس اندک است، اما شواهد موجود در محوطه های مهمی همچون شهر سوخته در سیستان، یحیی در کرمان و کنار صندل در جیرفت گویای ارتباط این محوطه ها با محوطه هایی در دره هند، حاشیه جنوبی خلیج فارس، غرب ایران و بین النهرین از طریق حاشیه شمالی خلیج فارس در هزاره سوم قبل از میلاد می باشند.^{۲۱} متأسفانه محوطه های عصر شهرنشینی در جنوب شرق ایران پس از انقلاب اسلامی کمتر مورد توجه قرار گرفتند تا اینکه در دهه ۸۰ شمسی توجه مجدد به این

محوطه‌ها به خصوص شهر سوخته موجبات رشد و شکوفایی مطالعات این دوره را به وجود آورد. هرچند مطالعات منطقه جیرفت با کمی تاخیر و در دهه ۹۰ شمسی شروع شد، اما به نوبه خود نقش بسیار زیادی در تکمیل مطالعات عصر شهرنشینی داشته است. به یقین ادامه فعالیت‌های باستان‌شناسی در جنوب شرق ایران و حاشیه شمالی خلیج فارس سؤالات بسیار زیادی که ذهن بسیاری از باستان‌شناسان را از دیر باز به خود جلب نموده است، پاسخ خواهد داد. یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های باستان‌شناسی که در منطقه خلیج فارس صورت پذیرفته است، مطالعات باستان‌شناسی هیات انگلیسی به سرپرستی وایت هاوس طی سالهای ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ هجری شمسی بوده است. مطالعات عمده وی در بخش شرقی سیراف، یعنی در منطقه حد شرقی قلعه شیخ نصوری تارودخانه لگ لوده می‌باشد. وی موفق به شناسایی یک دژ کوچک با نقشه و طرح کم‌نظیری در ۲۰ متری ساحل کنونی بخش باروی شرقی سیراف گردید.^{۲۲} البته هدف وایت هاوس از حفاری در سیراف کشف اطلاعات صحیح راجع به وضع بازرگانی و موقعیت محلی سیراف تحت نظر کانون تحقیقات ایران‌شناسی انگلستان بوده است.^{۲۳} ذکر این نکته ضروری است که اهمیت مطالعات باستان‌شناسی خلیج فارس در هدف حفاری وایت هاوس در سیراف نمایان است.

البته قبل از وایت هاوس و طی سال ۱۸۷۴ میلادی یک فرد آلمانی به نام آندریاس اقدام به حفاری باستان‌شناسی در جنوبی‌ترین نقطه بوشهر یعنی در یک کیلومتری محلی به نام سبز آباد نموده بود. در این محل تپه‌ای قرار دارد که بر اساس سنگ نبشه مکشوفه یک محوطه ایلامی است. گویا وی این مطالعات را به فردی ارمنی و از اهالی بوشهر به نام مالکوم واگذار کرده بود. بعدها دیولافوا، باستان‌شناس فرانسوی، در جریان سفرش به بوشهر به بخشی از این متون دست یافته است. این اثر هم‌اکنون در موزه لوور نگه‌داری می‌شود.^{۲۴} باید اشاره کرد کشف این متن تاریخی که به دوران ایلام (بین اواخر هزاره سوم و اواسط هزاره دوم قبل از میلاد) باز می‌گردد، گویای استیلای ایرانیان بر خلیج فارس و فعالیت‌هایی که در آن صورت پذیرفته است، می‌باشد. متأسفانه اطلاعات و خاطرات کاوشگر اولیه این محوطه (آندریاس) به چاپ نرسیده است و یا حداقل موجود نیست.

همان طور که در سطور پیشین ذکر شد، هزاره سوم قبل از میلاد دوره اوج شهرنشینی و ارتباطات اقتصادی و تجاری می باشد. محوطه های بسیار در جنوب شرق ایران در این دوره درگیر این گونه فعالیتها بوده اند. شواهد ایلامی مکشوفه از محوطه مذکور در نزدیکی سبزآباد سند مطمئنی از اسناد باستان شناختی خلیج فارس می باشد. یکی از مهم ترین شواهد باستان شناختی دوره ایلام، شواهد مربوط به محوطه ای به نام ریشهر یا لیان در نزدیکی بندر بوشهر و در کرانه های خلیج فارس است. کاوشهای این محوطه مهم توسط پزار فرانسوی در سال ۱۹۱۳ صورت پذیرفته است.^{۲۵} امروزه این محوطه در سایت نظامی (میدان تیر) مربوطه به نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. متأسفانه به رغم تلاشهای مکرر نگارنده جهت مطالعه مجدد این محوطه مهم که یکی از اسناد معتبر باستان شناختی خلیج فارس محسوب می گردد، اطلاعات در این خصوص بسیار ناچیز است. کتیبه های ایلامی که در محوطه سبزآباد یافت شده اند، با سایر متون که در آن پادشاهان مهم ایلامی همچون شوتروک ناهونته، کوتیر ناهونته، و شیلهاک اینشوشیناک که از سلسله شوتروکی ها و دوره ایلام میانی در اواخر هزاره دوم قبل از میلاد بر ایلام حکومت کرده اند، مرتبط هستند.^{۲۶} این متون گویای اهمیت خلیج فارس در دوره ایلام میانی نزد پادشاهان ایلام بوده است. در واقع نگاه ویژه پادشاهان ایلام به این منطقه به دلیل ارتباط ایلام با سایر مناطق در جنوب خلیج فارس و دریای عمان، جنوب شرق ایران و دره هند بوده است. شرایط مناسب حمل و نقل در این منطقه و امکان ایجاد ارتباط با مراکز بزرگ صنعتی و تولیدی به خصوص سنگهای نیمه قیمتی این امکان را به منطقه داده است تا به عنوان حلقه ارتباطی میان مراکز مهم تولیدی و بازار ایفای نقش کند. در واقع، این وظیفه در منطقه خلیج فارس امروزه نیز قابل مشاهده است.

نقدی بر باستان شناسی خلیج فارس

یکی از مهم ترین معضلات باستان شناسی ایران عدم ثبات سیاسی کشور در دوران قاجار و بعد از آن بوده است. این مسأله باعث شده بود حضور بیگانگان در کشور چه به صورت

نظامی و یا هیأت‌های باستان‌شناسی مشکلات عدیده‌ای را به وجود آورد. حاشیه شمالی خلیج فارس همواره مورد توجه قدرتهای استعماری همچون انگلیس و آلمان بوده است. در واقع به دلیل همان حلقه ارتباطی بودن، این خلیج مهم مورد توجه قدرتهای استعماری بوده است تا از طریق آن بتوانند به بخشهای داخلی ایران نفوذ کنند. در واقع کشمکشهای زیاد به دولت مرکزی اجازه نمی‌داد تا مطالعات وسیع باستان‌شناسی در این منطقه مهم را حمایت کند. از طرفی مطالعات محدودی هم که در منطقه صورت پذیرفته است، توسط خارجیهایی بوده است که به بهانه فعالیت‌های تاریخی و باستان‌شناسی فعالیت‌های سیاسی می‌نمودند؛ از جمله آنها می‌توان به سرپرسی سایکس اشاره کرد که در تاریخ ایران نقش بسیار زیادی داشته است و به عنوان ماموری سیاسی در خدمت اهداف کشور متبوعش یعنی انگلیس بوده است. وی که نویسنده کتاب تاریخ ایران می‌باشد، در نامه‌ای خطاب به شیخ محمد حسین تنگستانی، از سران حرکت تنگستانی‌ها، و در خصوص حمایت جنوب ایران از آلمان این‌طور می‌نویسد: «دولت انگلیس از سابق دوست صادق ایران بوده و در اشکالاتی که ایران داشته مساعدت نموده، دولت آلمان و عثمانی سعی دارند که بی‌طرفی ایران را پایمال کنند. معلوم شد که کنسول آلمان در بوشهر سعی دارد اهالی تنگستان را تحریک به حمله به بوشهر کند. لازم شد که از بوشهر دفع شود، از اوراق موجود معلوم شد که سفیر آلمان با دستیاری ماموران سوئدی ژاندارمری بدون اطلاع دولت ایران، امرا و اعیان جنوب را می‌خواهد برانگیزاند. با محاصره دولت انگلیس که هیچ قصدی غیر از دوستی با خودتان ندارد نه تنها خودتان را دچار مصیبت خواهید کرد، بلکه ثلث دولت خود را نیز مال المصالحه قرار خواهید داد.»^{۲۷}

امروزه اکثر مورخین اذعان دارند که کتاب تاریخ ایران نوشته سرپرسی سایکس یکی از مهم‌ترین منابع تاریخ ایران است، این در حالی است که وی به دنبال منافع انگلیس در منطقه بوده است. حساسیت منطقه در طول تاریخ، وظیفه خلیج فارس و مردمانی که در این خطه سکونت دارند را بسیار خطیر ساخته است. در واقع، شاید این‌گونه بتوان بیان کرد که خلیج فارس امروزه همان نقشی را برعهده دارد که در هزاره‌های قبلی برعهده داشته است.^{۲۸}

سر اورل اشتاین (۱۸۶۲ - ۱۹۴۳) باستان‌شناس یهودی مجاری‌الاصل می‌باشد که بعدها

تابعیت انگلیسی گرفت. وی چهار سفر علمی باستان‌شناسی بزرگ طی سالهای ۱۹۰۰، ۱۹۰۸-۱۹۰۶، ۱۹۱۶-۱۹۱۳ و ۱۹۳۰ انجام داد.^{۲۹} البته مطالعات وی در زمینه باستان‌شناسی بسیار حایز اهمیت می باشد، اما آنچه مهم است اینکه وی مطالعات خویش در ایران را به طور عمده معطوف مناطق مرزی کرده بود. حاشیه شمالی خلیج فارس یکی از مهم‌ترین مناطقی است که توسط سر اورل اشتاین مورد بررسی میدانی باستان‌شناسی قرار گرفته است. مطالعات وی مورد حمایت کامل دولت انگلیس و آمریکا بود. محمدقلی مجد در کتاب خویش به خوبی به این مطلب اشاره نموده است.^{۳۰} کتاب وی به دلیل آرایه اسناد و مدارک وزارت امور خارجه دولت ایالات متحده آمریکا، از ظرفیت بالقوه و بالفعل بسیار خوبی برای تبیین موضوع تاریخ و باستان‌شناسی ایران و نیز انجام تحقیقات آتی در شناخت تأثیر هیاتهای باستان‌شناسی بیگانه در ساخت هویت ملی ایرانیان و روند تحولات فرهنگی و سیاسی تاریخ معاصر ایران برخوردار است.^{۳۱} در ادامه سعی خواهد شد ترجمه بخشی از مطلب مربوط به فعالیتهای سر اورل اشتاین از کتاب نویسنده فوق که توسط بهرام آجرلو انجام شده است، آرایه گردد. داستان ورود اشتاین به ایران از آنجا آغاز می شود که پس از خروج دانشگاه هاروارد از چین، این دانشگاه و موزه فاگ در بوستون به کار در ایران ابراز تمایل کردند. آقای لارنس لاول، رییس وقت دانشگاه هاروارد، در نامه مورخ ۹ ژوئن ۱۹۳۱ به ویلیام کاسل، معاون وزارت امور خارجه، در خصوص حمایت از سر اورل اشتاین چنین می نویسد: «حدود یک سال پیش وزارت امور خارجه به این دانشگاه عنایت کافی را داشته است تا به سفارت آمریکا در پکن توصیه کند به آقای سر اورل اشتاین که از طرف دانشگاه هاروارد در چین فعالیت می نمود، مساعدت شود. اورل اشتاین به عنوان تبعه بریتانیا کمکهای اولیه را از سفارت بریتانیا می گرفت. اما با این همه سفارت آمریکا از کمک به او دریغ نکرد. متأسفانه چینی‌ها از روی حسادت نسبت به فعالیتهای باستان‌شناختی خارجی‌ان، مجوز کار اشتاین در چین را لغو کردند. حالا اورل اشتاین تحقیقات خود را به جنوب ایران انتقال داده است و سفارت بریتانیا از او حمایت می کند، و اینک درخواست می کنم که اگر وزارت خارجه مایل است، همانند ماموریت چین، به آقای اشتاین که تحقیقات او در زمستان آینده شروع خواهد

شد، کمک کند.» (نامه لاول به کاسل به شماره ۸۹۱/۹۲۷/۱۰۹ در ژوئن ۱۹۳۱)^{۳۲}

جوابیه کاسل در ۱۱ ژوئن به لاول اطلاع داد که «خوشحال خواهیم شد به اشتاین از طریق سفارت آمریکا در تهران، به همان نحوی که در چین انجام می شد، کمک کنیم.»

دستورالعمل کاسل به هارت در تهران ابلاغ شد تا با هیأت باستان شناسی دانشگاه هاروارد به طور کامل مساعدت کند: «در حالی که این هیأت باستان شناسی وابسته به ادارات بریتانیایی است - که بسیار فعالند - و نماینده برون مرزی آنها محسوب می شود، باز هم لازم است از کمکهای دیپلماتیک دولت آمریکا از طریق سفارت آمریکا در تهران برخوردار شود. وزارت امور خارجه علاقه مند است کارمندان آن در ایران به این هیأت کمکهای لازم و مقدور را ارایه دهند و پیشنهاد می کند که تماسهای لازم با همکاران بریتانیایی حفظ شود.»

(دستورالعمل شماره ۸۹۱/۹۲۷/۱۰۹ کاسل به هارت در ۱۸ ژوئن ۱۹۳۱ م)^{۳۳}

اشتاین که یک نقشه بردار بسیار متبحر بود، نقشه های بسیار دقیقی از مناطق مختلف ایران به خصوص مناطق مرزی تهیه کرده است. البته خیلی مواقع اقدامات وی در خصوص نقشه برداری مورد اعتراض مامورین دولت ایران قرار می گرفت، اما با وساطت دولت انگلیس مورد حل و فصل قرار می گرفت.^{۳۴} در اینجا یکی از اسنادی که در ارتباط با مطالعات اشتاین در مناطق مرزی و حاشیه شمالی خلیج فارس می باشد، ارایه می گردد.

وزارت امور خارجه، اداره انگلیس، نمره ۳۳۱، مورخه ۲۱ تیر ماه ۱۳۱۰ سواد مراسله سفارت انگلیس کد بازبایی: ۳۰۴، مشخصات مرجع: اسناد هیاتهای باستان شناسی در ایران (۱۲۵۴ - ۱۳۴۵ ش)، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد ۱۳۸۰، سند شماره ۳۰۴

یادداشت:

متن سند:

محترماً مساعدت جناب اشرف را در باب مسأله ذیل خواستار می شوم:

۱. سر اورل استین^(۱) که بلاشک اسم ایشان به مناسبت کشفیات آثار عتیقه که در دره

رودخانه (Ynsus) و (Tarin Basin) نموده به نظر جناب اشرف آشناست، مایل است از دولت علیه تحصیل اجازه نماید که در امتداد سواحل شمال شرقی خلیج فارس از بلوچستان انگلیس الی شط العرب اقدام به یک رشته عملیات کشف آثار عتیقه بنماید. معزی الیه از طرف موزه انگلیس و دارالفنون [هاروارد] مشغول عملیات خواهد شد. در سنوات ۱۹۲۷ و ۱۹۲۸ مشارالیه عملیات اکتشافیه موسمی انجام داده که از «وزیر مستان» شروع گردیده و در تمام طول بلوچستان انگلیس الی ساحل مکران ختم گردید و از عتیقه جاتی که به دست آمد، مشاهده شد که یک ارتباط کاملی را با آثار نظیر آن نشان می دهد که متعلق به تمدن ماقبل تاریخ در دره رودخانه (Ynsus) بوده و همچنین با آثاری که از «شوش تپه» سوسیان و سایر نقاط مجاور و یا داخل بین النهرین از تپه های کوچک نزدیک سرحد شمالی ایران (Anous) و غیره) و از نقاط بیابانی سیستان ایران به دست آمده است.

۲. نظر به ارتباطی که تصور می رود بین تمدن اولیه بین النهرین قبل (سومریان) و صفحات سفلی (ایندوس) موجود است از نقطه نظر اکتشافات علمی نهایت اهمیت را دارد که در نواحی واقعه در جنوب ایران که احتمال می رود آن روابط تمدن ماقبل تاریخ نیز به آنجا توسعه یافته باشد، تفحصات و کشفیات به عمل آید و منظور سر اورل استین در طرح نقشه عملیات اکتشافیه خود همین موضوع است.

۳. نظر به اینکه قرار است مقدار زیادی اراضی کاوش شود و همچنین به مناسبت بعضی جهات علمی مختلفه، هیأت اکتشافیه بر حسب لزوم بایستی در اول وهله دارای جنبه یک مساحی مقدماتی بوده باشد. به عقیده سر اورل استین یک چنین مساحی بالنسبه به این ترتیب سهل خواهد شد که به قراری که تجربیاتی که مشارالیه در سرتاسر بلوچستان انگلیس به دست آورده نشان می دهد تپه های کوچک ماقبل تاریخ واقعه در این قبیل اراضی خشک و لم یزرع را می توان همیشه از قطعات ظروف سفالی که در سطح زمین ریخته و یک سکونت طولانی را نشان می دهد، تشخیص داد. بنابراین، حفریات امتحانیه به میزان خیلی محدودی است. کافی است که نوع و جنس خاک رو به زیر، خاک را که بلافاصله در زیر سطح دامنه تپه های کوچک واقع است و همچنین هر قسم آثار ابنیه و ساختمانی که در آنجا بتوان یافت،

تعیین نمود.

۴. مجلدی که لفأ برای اطلاع مأمورین مربوطه ایرانی ایفاد می گردد حاکی است از جزییات راجع به نوع کاوش و تفتیشاتی که در حوالی اراضی بلوچستان انگلیس از طرف سر اورل استین به عمل آمده. در کتاب مزبور یک نکته ذکر شده که مشارالیه مایل است آن را مورد توجه قرار دهد و آن این است که آثاری که محتمل است به دست آید، نمی توان انتظار داشت که دارای جنبه صنعتی بوده باشند و حتی کمتر از آن است که دارای یک قیمت فروشی باشد. محتمل است که قسمت اعظم آثار مزبور عبارت باشد از قطعات شکسته ظروف سفالی و اسبابهای سنگی کوچک و قطعات مفرغ و امثال ذلک. اهمیت این اشیا به طور کلی در این است که تمدن قدیمی را که در یک زمانی مملکت هندوستان را بین النهرین و اراضی مجاور خلیج فارس متصل و مربوط می ساخت.

۵. برای معین کردن جنبه سنویت این قبیل آثار تاریخی به طور مسلم ضروری است که آنها را برده با کمال دقت ملاحظه و رسیدگی کنند. سپس با آثار متشابه به آن که از سایر نقاط به دست آمده تطبیق و مقایسه کنند. این منظور فقط وقتی صورت خواهد گرفت که آثار تاریخی را به توسط متخصصین غربی به معرض امتحان و رسیدگی درآورند. ولی پس از اینکه رسیدگی به عمل آید و عکسهای صحیحی از تمام نمونه های عمده آنها برداشته شد، آن وقت هر ادعای منصفانه ای که از طرف دولت علیه از بابت یک سهم از اشیایی که به دست آمده برسد، بلاشک مورد قبول مؤسساتی واقع خواهد شد که خودشان مشغول اعزام هیات اکتشافیه هستند. هرگاه عملیات مساحی مقدماتی پیشنهادیه بودن یک یا چندین نقطه را نشان دهد که دارای یک چنین اهمیت مخصوصی باشد که حفاریات منظم و مرتب آنها را ایجاب نماید، پیشنهادات دیگری به دولت علیه تقدیم خواهد گردید که برای تحقیقات کامل تری کسب اجازه شود.

۶. الحال اطلاع مفیدی در باب تقسیم آثار ماقبل تاریخ در نواحی وسیعه فی مابین سرحد هندوستان و ایران و محوطه شوش قدیم در دست نیست لکن نقشه های سر اورل استین به طور کلی به قرار ذیل است: معزی الیه قصد دارد عملیات کاوش خود را از اراضی

دشتیاری در نزدیک ترین نقاط انتهاییه جنوب غربی مکران انگلیس که یک ناحیه ای است که در طی عملیات استخراجیه سنه ۱۹۲۸ مقدار زیادی از آثار ماقبل تاریخ از آنجا به دست آمده شروع نماید. از آنجا عملیات کاوش خود را از بمپور به طرف نواحی کرمان از یک طرف و راههای ساحلی خلیج از طرف دیگر توسعه داده و بالاخره به بوشهر یا کارون خواهد رفت. به ملاحظه وضعیات آب و هوا مشارالیه مایل است حفاریات خود را در خاک ایران در ماه نوامبر آینده شروع نموده و تا بهار سنه ۱۹۳۲ در ایران بماند.

۷. مسلماً سر اورل استین کاملاً حاضر است در باب خط سیری که در این مسافرت در ایران طی خواهد نمود از هر جهت به صلاحدید مأمورین محلی رفتار نماید و نیز کلیه مخارجی را که مربوط است به مستحفظین و امثال آن در هر موردی که لازم شود بپردازد.

۸. چندان احتیاجی مشاهده نمی کنم این مساله را علاوه نمایم که نظر به وضع بی نهایت معطل و مشکل تدارکاتی که برای یک هیات اعزامی دارای یک چنین اهمیتی لازم است تهیه شود، برای شخص کاشف این مساله حایز نهایت درجه اهمیت است که به زودی ممکن است اطلاع حاصل کند که اجازه از طرف دولت ایران اعطا گردیده است. بنابراین خیلی ممنون خواهم شد جناب اشرف محبت فرموده فوراً در این باب با مأمورین مربوطه داخل مکاتبه شده و به اسرع اوقات دوستدار را از نتیجه آن مستحضر فرمایید.

۹. بالاخره هرگاه به طوری که امیدوارم اجازه از طرف دولت علیه اعطا گردد از جناب اشرف تقاضا می نمایم که بدون تعویق، اجازه هیأت محترم وزرا را تحصیل فرمایید که به موجب آن سر اورل استین بتواند موقتاً ملزومات خود را بدون اجرای شرایط و تحدیدات مربوطه به قانون انحصار تجارت وارد نماید. اشیای مزبور عبارت است از ملزومات شخصی و لوازم علمی که جهت انجام عملیات لزومیت دارد. لازم به اظهار نیست که هیات اعزامی مزبور دارای یک اساس کاملاً علمی و غیرتجارتی است و بنابراین معافیت لوازم مزبور از تحدیدات مربوطه به قانون انحصار تجارت از آن قسمی است که هیات محترم وزرا بر حسب قانون مزبور بالصراحه مجاز است بر حسب تخصص خود اجازه لازمه را صادر نماید. موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه خود را تجدید می نمایم.

تاریخ شمسی: ۱۳۱۰/۴/۲۱

موریس پزار، باستان‌شناس فرانسوی، در مقدمه کتاب خویش تحت عنوان مأموریت در بندر بوشهر (گزارش حفاریها و مطالعات باستان‌شناسی) که توسط سید ضیاء مصلح به فارسی برگردانده شده است، چنین می‌نویسد: «برادرم آقای سروان جورج پزار از سرویس جغرافیایی ارتش که بسیار تمایل داشت در این سفر مرا همراهی کند، نقشه جزئیات این آثار قدیمی را ترسیم نمود.»^{۳۵} آگاهی افسران عالی‌رتبه اروپایی از جزئیات راهبردی منطقه خلیج فارس امری محال نیست. چه بسا آنان به هوای مطالعات تاریخی و فرهنگی فعالیت سیاسی نیز می‌نمودند. از این‌گونه محققین که اساساً نظامی هستند، در ایران و حتی در منطقه خاورمیانه بسیار بوده‌اند. همان‌گونه که ذکر آن رفت، مطالعات باستان‌شناسی حاشیه شمالی خلیج فارس تحت تاثیر عوامل مختلفی بوده است که خود ناشی از اهمیت این منطقه می‌باشد. از طرف دیگر، توجه بیش از حد نظام قبلی (پهلوی) به دوره هخامنشی که آن هم ناشی از توجه سیاسی به این دوره خاص بوده است، باعث شده بود باستان‌شناسی خلیج فارس کمتر مورد توجه قرار گیرد. وقوع انقلاب اسلامی در بهمن ۵۷، وقوع جنگ تحمیلی که حدود یک دهه به طول انجامید و درگیرهای نظامی در خلیج فارس که ذکر آن رفت نیز از دیگر دلایل بی‌توجهی به باستان‌شناسی خلیج فارس بوده است. اما آنچه جای تاسف دارد، عدم توجه مسئولین باستان‌شناسی کشور به این منطقه مهم است. عدم برنامه‌ریزی مناسب در باستان‌شناسی خلیج فارس بر مشکلات باستان‌شناسی این منطقه افزوده است. این در حالی است که کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس پس از دهه ۶۰ میلادی توجه زیادی به باستان‌شناسی بخش جنوبی خلیج فارس کرده‌اند. شاید به جرات بتوان گفت که میزان مطالعات آنها به مراتب بیشتر از قسمت ایرانی خلیج فارس می‌باشد. همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، وجود منابع مهم انرژیهای فسیلی بر اهمیت خلیج فارس افزوده است. این امر تا بدان حد مهم است که توجه دولتمردان را نیز به خود جلب نموده است. شاید این‌گونه بتوان بیان کرد که توجه اقتصادی بیش از حد به خلیج فارس جلوی مطالعات باستانی را سد نموده است. امروزه کشورهای عربی علاوه بر استفاده از منابع مهم انرژی، توجه خاصی به شواهد باستانی منطقه خلیج فارس کرده‌اند.

شاید نگاه سیاسی به شواهد باستانی چندان صحیح نباشد، اما متأسفانه در دنیای امروز این امر در دانشگاه‌های اروپایی نیز تدریس می‌شود. در کشور انگلیس به‌ویژه دانشگاه برادفورد، دانشجویان رشته باستان‌شناسی درسی به نام «باستان‌شناسی سیاسی» می‌خوانند که در مجموع، گویای بهره‌برداری سیاسی از مطالعات باستان‌شناسی می‌باشد. این درست همان کاری است که امروزه کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس بدان توجه خاصی دارند. البته این نوع نگاه وقتی زشت جلوه می‌کند که دولتها (به خصوص دولتهای عربی) به دروغ آن را دستاویزی برای مقاصد سیاسی خود قرار می‌دهند. در حاشیه شمالی خلیج فارس مطالعات باستان‌شناسی از دید سیاسی (نوع سالم آن) بر حقانیت جمهوری اسلامی ایران در سیادت بر خلیج فارس صحنه خواهد گذاشت.

توجه و حمایت مطالعات باستان‌شناسی خلیج فارس

راه اندازی چند پایگاه باستان‌شناسی در حاشیه شمالی خلیج فارس در استانهای سیستان و بلوچستان، هرمزگان و بوشهر موجبات مطالعات علمی باستان‌شناسی توسط فرزندان این مرز و بوم را فراهم خواهد کرد. متأسفانه به رغم سابقه طولانی باستان‌شناسی در کشور، روشهای مطالعات علمی باستان‌شناسی در ایران دوران طفولیت خود را می‌گذراند. این در حالی است که کشورهای همجوار از جمله هند به لحاظ باستان‌شناسی به پیشرفتهای بسیار زیادی نایل شده‌اند. امروزه باستان‌شناسی ایران به سه حیطه پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی محدود می‌شود. عدم توجه به باستان‌شناسی دریایی و تخصصهای میان‌رشته‌ای در باستان‌شناسی، یکی دیگر از نقاط ضعف باستان‌شناسی خلیج فارس می‌باشد. مطابق مطالعات باستان‌شناسی، بسیاری از باستان‌شناسان معتقدند که شواهد باستان‌شناسی هند در بین‌النهرین بیش از شواهد بین‌النهرین در هند می‌باشد.^{۳۶} بیشتر شواهد باستانی از تمدن هند در بین‌النهرین شامل مصنوعات سنگهای نیمه قیمتی از جمله لاجورد، سنگ صابون و غیره می‌باشند.^{۳۷} احتمالاً در مقابل، مردم بین‌النهرین محصولات کشاورزی خویش را به عنوان کالای تجاری به مناطق مختلف به خصوص شرق از طریق خلیج فارس می‌فرستادند.

باستان شناسان یکی از دلایل رونق تجارت با مناطق دوردست در هزاره سوم قبل از میلاد را در حاصل خیزی جنوب بین النهرین می بینند. این حاصل خیزی نه تنها مردمان این منطقه را بی نیاز ساخته بود، بلکه آنها مازاد محصول خود را به سایر مناطق صادر می کردند.^{۳۸}

البته باید به این نکته نیز اشاره کرد که فعالیتهای تجاری در منطقه خلیج فارس فقط معطوف به هزاره سوم قبل از میلاد نبوده است، بلکه دریانوردان و تجار این منطقه در طول ادوار تاریخی در منطقه رفت و آمد داشتند. هخامنشیان با تشکیل دولتی قدرتمند در اواسط هزاره اول قبل از میلاد، یکی از دولتهایی بودند که از تجارت در خلیج فارس حمایت می کردند. در واقع، مرکزیت قدرت در این عصر موجبات شکوفایی تجارت را در حد وسیعی فراهم کرد. داریوش اول برای حمایت تجارت، دریاسالار یونانی خویش به نام اسکولاک را با ۲۰۰ فروند کشتی مأمور کشتی رانی و یافتن سواحل و جزایر در خلیج فارس کرد.^{۳۹} پارت ها نیز از تجارت و دریانوردی در خلیج فارس آگاهی داشتند و منابع ذکر می کنند که کشتیهای اشکانی با جزیره سیلان در شبه قاره هند نیز رفت و آمد داشتند. پس از رونق جاده ابریشم و آشنایی چینی ها با مناطق غربی تر، ارتباط چینی ها با پارت ها به وجود می آید و بنادری همچون کانتون و سیراف در این دوره مورد توجه قرار می گیرند. پارت ها سعی می کردند با جلوگیری از ارتباط مستقیم چین و روم، نبض اقتصادی این دوره را در دست بگیرند.

سیستم بادهای موسمی غرب اقیانوس هند نقش بسیار مؤثری در تجارت دریایی میان جوامع شرق آفریقا و غرب آسیا از جمله خلیج فارس داشته است. این بادهای در حمل و نقل کاروانهای تجاری دو طرف در فصول مختلف بسیار موثر بوده اند.^{۴۰} شواهد باستان شناسی همچون سفالهای خلیج فارس که در شرق آفریقا کشف شده اند، نشان می دهند که ارتباطات تجاری میان این مناطق در دوره ساسانی برقرار بوده است.^{۴۱} با این حال به نظر می رسد که از اواسط قرن ۸ میلادی، ارتباط تجاری دریایی وسیعی در منطقه خلیج فارس برقرار بوده است.^{۴۲} مهم ترین بندر بازرگانی خلیج فارس در دوره پارت و ساسانی بندر ابله^(۱) بود که در مصب دجله به خلیج فارس قرار داشت. در اوایل دوره اسلامی و با تاسیس شهر بصره در سال

1. Oble

۱۷ هجری قمری بندر ابله اهمیت خود را از دست داد و شهر بندری بصره جایگزین آن شد. امنیت شهر بصره و ثبات سیاسی باعث گردیده بود که بصره علاوه بر مرکز تجارت، صنعت و فعالیتهای مالی و اقتصادی به محلی برای انجام مباحث دینی و روشنفکرانه نیز تبدیل شود. قیام بردگان زنج در اواسط قرن سوم هجری قمری در بصره و چپاول این شهر توسط قرمطیان در اواخر قرن سوم هجری قمری از یک سو و روی کار آمدن حکومت قدرتمند آل بویه از سوی دیگر باعث گردید که شهر بصره به تدریج اهمیت خود را از دست بدهد و شهر بندری سیراف در طول قرن چهارم و پنجم هجری قمری جایگزین آن گردد. علاقه عضدالدوله دیلمی به آبادانی فارس و شیوه کشورداری او که همراه با آزادمنشی فکری بود و تشویقی که او از دانشمندان و بزرگان علم و ادب به عمل می آورد، فارس را در زمره آبادترین ایالات ایران در آورده بود. این امنیت و آزادی خود رونق اقتصادی را به همراه داشت. سیراف نیز که بندر اصلی فارس به شمار می آمد از این موقعیت بیشترین سود را می برد. مرگ عضدالدوله به سال ۳۷۲ هجری قمری و کشمکشهای خونین و زیانبار پس از آن باعث آشفتگی اوضاع سیاسی و اجتماعی، عدم ثبات سیاسی، جنگ و قتل و غارت و برادر کشی، ناامنی شهرها و راهها و همه سرزمینهای زیر حکومت آنان شد. در این میان، فارس و بیشتر از همه سیراف زبان دید و چون زندگی در این بندر به بازرگانی وابسته بود، زودتر از دیگر نقاط ویران گردید. از طرف دیگر، روی کار آمدن حکومت سلاجقه در کرمان و طایفه بنی قصیر در کیش باعث گردید که جزیره کیش از اواخر قرن پنجم هجری قمری جایگزین شهر بندری سیراف گردد. ثبات و امنیت ناشی از حکومت سلاجقه در کرمان و فارس و همچنین اقتدار طایفه بنی قصیر در برقراری امنیت تجارت در خلیج فارس باعث گردید که جزیره کیش از اواخر قرن پنجم تا اواخر قرن هفتم هجری قمری به مرکز بازرگانی خلیج فارس تبدیل گردد.

انحلال حکومت بنی قصیر در سال ۶۲۶ هجری قمری توسط سیف الدین ابانصر هرموز و جنگ بین سیف الدین ابانصر و صلاح الدین محمود لر در سال ۶۲۸ هجری قمری و از آن پس تصرف جزیره کیش توسط ایلخانان، همچنین غارت جزیره کیش در اواخر قرن هفتم هجری قمری در درگیریهای بین بهاء الدین ایاز، رکن الدین مسعود و ملک اسلام شیخ جمال الدین

باعث گردید که جزیره کیش اهمیت خود را از دست بدهد. از اوایل قرن هشتم هجری جزیره هرمز جایگزین آن می شود. جزیره هرمز از اوایل قرن هشتم هجری قمری تا سال ۹۱۲ هجری قمری که پرتغالی ها آن را به تصرف در آوردند، به عنوان بازار مهم کالاهای تجاری هند، ری، خراسان، ارمنستان و مرکز باراندازی کشتیهای تجاری کلیه جزایر و سواحل خلیج فارس محسوب می شد.^{۴۳} سرپرسی سایکس در خصوص آن می نویسد: «نقشه ها و مطالعات پیرامون این منطقه نشان می دهد که جزیره هرمز و بندر عباس دروازه تجارت شرق و غرب و از مناطق مهم مشرق زمین بوده اند.»^{۴۴}

یکی از مهم ترین کالاهایی که در شبکه های تجاری و دوره های فوق مورد مبادله قرار می گرفت، کالاهای فاسد شدنی همچون محصولات کشاورزی و دامی بود. در واقع، یکی از معضلات باستان شناسی سنتی ناتوانی آن در مطالعه این گونه مواد فسادپذیر می باشد. عدم وجود شواهد ماندگار از بین النهرین در مناطق شرقی، باستان شناسان را به این فکر برده است که بین النهرینی ها چه چیزی در مقابل کالاهای مردم شرق به خصوص هندی ها می دادند. بسیاری از آنان محصولات کشاورزی را که فسادپذیر هستند و کمتر در بافتهای باستانی سالم به دست می آیند، به عنوان کالاهای اصلی صادراتی بین النهرین می دانند. بنابراین راه اندازی آزمایشگاهها و تخصصهای میان رشته ای که بتواند داده های فسادپذیر کشاورزی و غیره را مطالعه کند، در مناطق شمالی خلیج فارس ضروری به نظر می رسد. عدم وجود این گونه مطالعات در ایران و افزایش حجم اطلاعات علمی باستان شناسی در حاشیه جنوبی خلیج فارس باعث شده تا بسیاری از باستان شناسان اروپایی حاشیه جنوبی خلیج فارس را به عنوان معبر اصلی کاروانهای تجاری در هزاره سوم قبل از میلاد در نظر بگیرند. راه اندازی پژوهشکده علوم باستان شناسی در دانشگاه سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۸۸ در راستای حمایت از مطالعات باستان شناسی و میان رشته ای در باستان شناسی بوده است. بدین منظور ضروری به نظر می رسد محققانی که قصد مطالعات میان رشته ای در باستان شناسی را دارند، حتماً می بایست دارای زمینه مطالعاتی علوم پایه باشند. پروفیسور مارک پولارد، استاد گروه باستان شناسی دانشگاه اکسفورد انگلیس، در مقدمه مقاله خویش تحت عنوان «چرا هایزبرگ

را به باستان‌شناسان آموزش می‌دهیم؟» پس از معرفی گروه علوم باستان‌شناسی دانشگاه برادفورد انگلیس، به عنوان تنها گروه در سطح اروپا که مطالعات میان‌رشته‌ای را انجام می‌دهد، در معرفی خویش چنین می‌نویسد: «این یک پرفسور است که زمینه مطالعاتی وی قبل از باستان‌شناسی، فیزیک و سپس شیمی بوده است.»^{۴۵}

باستان‌شناسی دریایی و یا آبی از دیگر تخصصهایی است که می‌تواند کمک زیادی به مطالعات باستان‌شناسی خلیج فارس بکند. عبور و مرور کاروانهای تجاری دریایی از این منطقه و زیر آب رفتن بسیاری از محوطه‌های ساحلی، ضرورت راه‌اندازی رشته‌های باستان‌شناسی دریایی در دانشگاه‌های هرمزگان، چابهار و خلیج فارس را می‌طلبد. این امر هنگامی مسیر مناسب خویش را طی خواهد نمود که هماهنگی بسیار دقیقی میان مراکز دانشگاهی و سازمانهای متولی آثار باستانی به خصوص پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور ایجاد شود. حسین بختیاری، مدیر گروه وقت کاوشهای باستان‌شناسی سیراف طی سالهای ۵۴-۱۳۵۳ و بازرس گروه باستان‌شناسی مشترک ایران-انگلیس طی سالهای ۵۲-۱۳۵۱ می‌نویسد که وی طی سالهای فوق‌متوجه اهمیت مطالعات باستان‌شناسی در منطقه خلیج فارس شده بود. وی می‌افزاید: «کوششها و مطالعات باستان‌شناسی وی و همکارانش در این منطقه او را ترغیب کرد که طرح باستان‌شناسی دریایی در سیراف و سراسر خلیج فارس را در سال ۱۳۵۳ ارایه دهد.»^{۴۶}

البته این ایده عملی نگردید، هرچند طی سالهای اخیر سازمان میراث فرهنگی کشور تلاش کرده است که چنین مطالعاتی را در منطقه راه‌اندازی کند. متأسفانه به رغم این تلاش، گروه باستان‌شناسی زیر آب سازمان میراث فرهنگی کشور آنچنان که شایسته این سازمان و منطقه خلیج فارس است، چندان فعال نیست. تصور می‌شود که این امر عملی نخواهد گردید مگر با راه‌اندازی رشته باستان‌شناسی زیر آب در دانشگاههای کشور، به خصوص دانشگاههایی که در مناطق ساحلی قرار گرفته‌اند.

حمایت از افتتاح نشریات و مجلات تخصصی بین‌المللی در ارتباط با باستان‌شناسی خلیج فارس از موارد بسیار مهم در حمایت از مطالعات باستان‌شناسی این منطقه می‌باشد.

امروزه کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با استخدام باستان شناسان خارجی از کشورهای فرانسه، انگلیس، آمریکا و ایتالیا سعی فراوانی در معرفی مطالعات باستان شناسی منطقه در راستای اهداف خودشان کرده اند. چاپ مجلات معتبر علمی به زبانهای بین المللی از جمله انگلیسی آنها را در سطح منطقه و حتی دنیا معرفی کرده است. در واقع، حمایت از انتشار مجلات تخصصی در حوزه خلیج فارس موجبات آگاهی هر چه بیشتر محققان و مردم منطقه را در پی خواهد داشت. برگزاری سمینارهای بین المللی باستان شناسی در منطقه خلیج فارس با هدف حمایت از مطالعات این منطقه توجه بسیاری از کشورها را به حاشیه شمالی خلیج فارس معطوف خواهد کرد. متأسفانه بی توجهی به باستان شناسی خلیج فارس این امکان را به کشورهای عربی حوزه خلیج فارس داده است تا با مطالعات گسترده باستان شناسی در مناطق جنوبی خلیج فارس و دریای عمان، مطالعات در حاشیه شمالی را کم رنگ و ضعیف نشان دهند. حضور تیمهای مطالعاتی انگلیسی، ایتالیایی و فرانسوی در منطقه جنوبی خلیج فارس نیز بر حساسیت مطالعات منطقه افزوده است. متأسفانه این باستان شناسان که در خدمت دولتهای عربی هستند با استفاده از نام مجعول خلیج عربی این امکان را به کشورهای عربی خلیج فارس داده است تا هر از گاهی ادعاهای دروغین خویش را مطرح نمایند.

نتیجه گیری

همان طور که ذکر آن رفت، خلیج فارس همواره مدنظر تمدنهای همجوار در اعصار پیش از تاریخ و تاریخی و دولتهای خارجی در دنیای امروزی بوده است. در اینکه منطقه خلیج فارس در طی دوران فوق حایز اهمیت بوده است، شکی وجود ندارد. اما تصور می شود آنچه دولتها را در قرون اخیر بیشتر به این منطقه متوجه ساخته است، موقعیت استراتژیکی خلیج فارس است. به عنوان مثال، در سال ۱۶۱۶ میلادی کمپانی هند شرقی از شاه عباس اول فرمانی دریافت کرد که به آنان اجازه تجارت در داخل خاک ایران را می داد و ورود نمایندگان کمپانی را به هر یک از بنادر ایران مجاز می دانست. سه سال پس از این فرمان کمپانی تجارتخانه ای را در بندر جاسک دایر کرد.^{۴۷} در واقع، با این فرمان انگلیسی ها حضور بلندمدت خویش در

منطقه را تثبیت کردند. حضور انگلیسی‌ها بعدها مشکلات زیادی را برای ایران در پی داشت. با نگاهی به علت حضور انگلیسی‌ها در منطقه متوجه می‌شویم که آنها از تاریخ ایران و نقش منطقه خلیج فارس در هزاره‌های قبل به خوبی آگاهی داشته‌اند. البته شاه عباس اول با صدور این فرمان دو هدف را دنبال می‌نمود:

۱. صادرات ابریشم ایران که در آن زمان از طریق حلب صورت می‌پذیرفت، تغییر مسیر داد و از طریق خلیج فارس انجام شد. البته این مسئله در معاضدت دولت ایران با دولت عثمانی بود که به تبع کاهش درآمدهای گمرکی آنان را نیز در پی داشت؛

۲. مقابله با پرتغالی‌ها که قدرت استعماری بزرگی در آن دوره شده بودند، از دیگر اهداف شاه عباس اول بود. البته هرچند وی قصد اعمال حاکمیت بر جزایر و سواحل خلیج فارس را داشت، به نوعی تعویض قدرت استعماری محسوب می‌گردید. به عبارتی در این معادله پرتغال جای خویش را به یک استعمارگر جدید می‌داد.^{۴۸} به دنبال جنگ مشترک ایران و انگلیس با پرتغال که منجر به اخراج آنها از منطقه شد، در عصر زندیه شاهد گسترش نفوذ انگلیسی‌ها و احداث تجارتخانه توسط آنها در بوشهر هستیم.^{۴۹}

به دنبال نفوذ انگلیسی‌ها در منطقه خلیج فارس، آنها سعی در گسترش نفوذ خویش در منطقه نمودند؛ از جمله آنها می‌توان به تسلط آنها بر شیخ نشینهای خلیج فارس و بحرین اشاره نمود.^{۵۰} حضور سایر کشورهای استعمارگر همچون اتحاد جماهیر شوروی سابق و ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس^{۵۱} نیز گویای اهمیت این منطقه مهم می‌باشد. هرچند این دولتها مهم‌ترین دلیل حضور خویش را روابط تجاری و اقتصادی در نظر می‌گرفتند، اما طمع کشورهای مختلف استعمارگر به دنبال به دست آوردن امتیازات مختلف، منطقه خلیج فارس را در وضعیتی حساس قرار داده بود. با کشف و استخراج نفت در سال ۱۹۰۸ منطقه وارد دوره جدیدی از معادلات سیاسی گردید. به هر حال با نگاهی به تحولات منطقه خلیج فارس در عصر حاضر، متوجه می‌شویم که این منطقه در طول تاریخ چندین هزار ساله خویش همواره مورد توجه قدرتهای بزرگ بوده است.

کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در پی استقلال خویش در دهه ۶۰ میلادی

به دنبال کسب هویت برای خویش بودند و بدین منظور باستان شناسان اروپایی بسیاری را به استخدام در آوردند. برخی از این باستان شناسان که در سطح بین المللی مطرح می باشند، به دلیل حمایت های وسیع مالی و اداری کشورهای عربی با طیب خاطر به مطالعات باستان شناسی می پردازند و برای خوشایند دولتهای عربی از نام مجعول «خلیج عربی» استفاده می کنند. فعالیتهای افرادی که به نام محقق، مورخ و باستان شناس برای کشورهای اروپایی اطلاعات جمع آوری می نمودند، قبل از اینکه برای کشورمان ایران مفید بوده باشند، برای مقاصد سیاسی این دولتها مفید بوده اند. شناسایی مشکلات باستان شناسی خلیج فارس اولین قدمی است که در بهبود مطالعات این منطقه می تواند مفید باشد. شناسایی این مشکلات که به طور عمده ریشه در تاریخ سیاسی ایران دارند، به باستان شناسان کمک خواهد کرد تا با دید مناسب تری نسبت به گذشته به مطالعات در خور اهمیت خلیج فارس بپردازند. متأسفانه به رغم اهمیت خلیج فارس، آن گونه که شایسته این منطقه است به باستان شناسی آن پرداخته نشده است. همان طور که ذکر شد، امروزه کشورهای عربی برای هویت بخشیدن به خود، سعی در استخدام محققان باستان شناسی خارجی کرده و با گسترش مطالعات و ارتباط آن با مناطق همجوار سعی کرده اند بر اهمیت منطقه خویش بیفزایند.

باستان شناسی سیاسی یکی از مهم ترین ابزارهای است که کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس جهت مشروعیت بخشیدن و کسب پشتوانه تاریخی بدان متوسل می شوند. منطقه بیابانی که قبل از کشف منابع انرژیهای فسیلی به بوته فراموشی سپرده شده بود، امروزه با بهره گیری از باستان شناسان مغرض اروپایی و آمریکایی به عنوان منطقه ای حساس در ادوار پیش از تاریخ معرفی شده است. مطالعات محدود باستان شناسی در حاشیه شمالی خلیج فارس و جنوب شرق ایران، نشان می دهد که این منطقه از کشور ایران در طول تاریخ به عنوان منطقه ای حساس در زمینه های تجاری ایفای نقش می نموده است. ارتباط مناطقی در آسیای میانه، دره هند و بین النهرین با سواحل جنوبی خلیج فارس اغلب از طریق فلات ایران میسر بوده است. تسلط بازرگانان سواحل شمالی خلیج فارس (ایران) در ادوار پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی بر این مناطق و وجود شواهد باستانی در حاشیه جنوبی آن که مشابه شواهد

باستان‌شناسی جنوب شرق ایران می‌باشند، گویای استیلای این مردمان بر سواحل جنوبی خلیج فارس در طول تاریخ بوده است. وجود شواهدی از تمدن عبید در میناب، شواهد مربوط به تمدن ایلام در لیان بوشهر، در تپه یحیی کرمان، شهر سوخته سیستان و حیرت گویای ارتباط تنگاتنگ این مناطق با تمدنهایی در غرب و شرق می‌باشند. همچنین تشابهاتی که میان شواهد باستانی جنوب شرق ایران و شواهد مربوط به آسیای میانه دیده می‌شوند نیز گویای ایفای همان وظیفه میان تمدنهای دره هند، ایران، حاشیه جنوبی خلیج فارس و بین‌النهرین با آسیای میانه بوده است.

جالب است که بدانیم باستان‌شناسانی که از نام مجعول خلیج عربی استفاده می‌کنند، بهتر از هر کس دیگری می‌دانند که خلیج همیشه فارس ایران نامی جاودانی برای آبهای نیلگون جنوب ایران می‌باشد، اما شایسته است برای معرفی هرچه بهتر خلیج فارس به جهانیان مطالعات علمی باستان‌شناسی در این منطقه مورد حمایت دولت‌ها قرار گیرند. از یک سو، با انجام مطالعات دقیق علمی باستان‌شناسی قادر خواهیم بود تا نقش اصلی این منطقه را بازسازی کنیم و ضمن معرفی پتانسیلهایی که اجداد ما در طول تاریخ از آن بهره‌مند شده بودند، موجبات رشد شکوفایی مجدد منطقه را فراهم کنیم. همان‌طور که ذکر شد، منطقه خلیج فارس به خصوص حاشیه شمالی آن در طول تاریخ وظیفه حلقه ارتباطی میان تمدنهای ایران و سایر تمدنها را ایفا و از این طریق درآمدی را کسب کرده است. هرچند امروزه منابع انرژیهای فسیلی به طریق دیگری گویای اهمیت منطقه می‌باشند، اما توجه به وظیفه خطیر و کهن این منطقه بر اهمیت استیلای ایران بر آن خواهد افزود. نبضهای ارتباطی منطقه با دنیای خارج که تنگه هرمز یکی از آنها می‌باشد، امروزه می‌تواند همان نقش تاریخی خویش را ادامه دهند.

از سوی دیگر، با آماده‌سازی محوطه‌های باستانی برای بازدید جهانگردان خارجی نه تنها دولت هیچ هزینه‌ای برای ابراز حقانیت کشورمان در سیادت بر خلیج فارس متحمل نخواهد شد، بلکه از طریق جلب گردشگر و ارائه خدمات لازم می‌تواند زمینه جذب سرمایه و درآمدهای ارزی را نیز فراهم آورد. در واقع صنعت گردشگری که صادرات آن نامرئی هستند،

نقش بسیار فعالی در معرفی فرهنگ این منطقه که متأثر از فرهنگ مناطق حاشیه شمالی خلیج فارس می باشد، خواهد داشت. علاوه بر آن، منبع در آمد مطمئنی برای مردم منطقه خواهد بود. در کنار جاذبه ها و استعداد های تاریخی و باستانی، جاذبه های ورزشی، تجاری، محیطی صنایع دستی و آداب و رسوم می توانند موجبات جذب گردشگران از گروه های مختلف جوامع را فراهم کند.



پاورقیها:

1. K. Lambeck, "Shoreline Reconstructions for the Persian Gulf Since the Last Glacial Maximum," *Earth and Planetary Science Letters*, Vol. 142, 1996, pp. 43-57.
۲. جعفر حمیدی، «زمان شناسی تاریخی خلیج فارس»، در: مجموعه مقالات سمینار بررسی مسایل خلیج فارس، ۱۳۶۹، صص ۲۴۵-۲۳۱.
۳. فریبرز بختیاری اصل، «خلیج همیشه فارس»، در: مجموعه مقالات سمینار بررسی مسایل خلیج فارس، ۱۳۶۹، صص ۱۵۸-۱۳۵.
۴. حمیدی، پیشین، ص ۲۳۳.
5. R. Hay, *The Persian Gulf States*, USA: Washington, 1959.
۶. سید علی اصغر کاظمی، ابعاد حقوقی حاکمیت ایران در خلیج فارس، چاپ دوم، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰، ص ۶.
۷. پیروز مجتهدزاده، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، ترجمه و تنظیم: حمیدرضا ملک محمدی نوری، چاپ اول، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲، ص ۴۱.
8. J. Oates, "Ubaid Mesopotamia Revisited," in: K. von Folsach, H. Thrane and I. Thuesen (eds.), *From Handaxe to Khan: Essays Presented to Peder Mortensen on the Occasion of His 70th Birthday*, 2004, pp. 87-104;
- حسین توفیقیان، «نگاهی به سیر تحول و جابه جایی مراکز تجاری و فرهنگی در حاشیه شمالی خلیج فارس»، در: مجموعه مقالات کنگره بین المللی سیراف، جلد اول، ۱۳۸۴، ص ۴۳۶.
۹. مهدی مرتضوی، «خلیج فارس و جنوب شرق ایران در هزاره سوم قبل از میلاد»، در: سومین همایش علمی خلیج همیشه فارس، ۱۳۸۶، صص ۱۷-۱۴.
۱۰. جعفر فتح الهی، «سوابق تاریخی و وجه تسمیه خلیج فارس در: مجموعه مقالات سمینار بررسی مسایل خلیج فارس، ۱۳۶۹، صص ۴۲۵-۴۲۰؛
- محمود جعفری دهقی، «خلیج فارس در عهد باستان»، سومین همایش علمی خلیج همیشه فارس، ۱۳۸۶، صص ۲۲-۲۳.
۱۱. ناصر تکمیل همایون، «سیراف، بندرگاه میان دریایی راههای ابریشم»، در: مجموعه مقالات کنگره بین المللی سیراف، جلد اول، آبان ۱۳۸۴، صص ۱۲۵-۱۱۶.

- علی اکبر کجفاف، «تجارت سیراف در قرن چهارم هجری قمری»، مجموعه مقالات کنگره بین المللی سیراف، جلد دوم، ۱۳۸۶، صص ۳۸-۳۳؛
- فرحناز بهرامپور، «تجارت خلیج فارس و سیراف در تاریخ»، در: مجموعه مقالات کنگره بین المللی سیراف، جلد دوم، ۱۳۸۶، صص ۱۹۹-۱۹۵.
۱۲. کاظمی، پیشین، صص ۸-۹.
۱۳. غلامرضا آفازاده، «نفت و خلیج فارس»، در: مجموعه مقالات سمینار بررسی مسایل خلیج فارس، ۱۳۶۹، صص ۵۴-۵۳.
۱۴. رابرت ماسی، پتر کبیر، ترجمه ذبیح الله منصوری، جلد دوم، تهران: انتشارات زرین، ۱۳۷۲؛ ج. ت. الگزنندر، کاترین کبیر، ترجمه حسن افشار، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۱.
۱۵. مهدی عطایی، «استراتژی امنیتی آمریکا در خلیج فارس پس از ۱۱ سپتامبر»، در: سومین همایش علمی خلیج همیشه فارس، ۱۳۸۶، ص ۵۶.
16. Oates, op. cit., p. 92; E. Porada, D. P. Hansen, S. Dunham and S. H. Babcock, "The Chronology of Mesopotamia, ca. 7000-1600 B.C.," in: R.W. Ehrich, Jr., (ed.), *Chronologies in Old World Archaeology*, Third Edition. 1992, p. 92.
۱۷. توفیقیان، پیشین، ص ۴۳۶.
18. M. Mortazavi, "Economy, Environment and the Beginnings of Civilization in South Eastern Iran," *Journal of Near Eastern Archaeology*, 68(3), 2005, p. 105.
19. M. Mortazavi, *Systems Collapse: A Comparative Study of the Collapse of the Urban Communities of Southeast Iran in the Second Millennium BC.*, Ph.D Thesis, England: University of Bradford, 2004.
۲۰. توفیقیان، پیشین، ص ۴۳۷.
۲۱. مرتضوی، پیشین.
۲۲. حسین بختیاری، «بررسی تاریخچه کاوشهای باستان شناسی بندر سیراف»، مجموعه مقالات کنگره بین المللی سیراف، جلد اول، ۱۳۸۴، ص ۳۱.
۲۳. دیوید وایت هاوس، کاوشهای علمی باستان شناسی در بندر سیراف (بندر طاهری)، بوشهر: انتشارات شروع، ۱۳۸۴، ص ۹.
۲۴. موریس یزار، ماموریت در بندر بوشهر: گزارش حفاریها و مطالعات باستان شناسی، ترجمه سید ضیاء مصلح،

- بوشهر: انتشارات شروع، ۱۳۸۴، ص ۳۷.
۲۵. عزت الله نگهبان، مروری بر پنجاه سال باستان شناسی ایران، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۶، ص ۴۷۷.
۲۶. پزار، پیشین، ص ۱۱۰.
۲۷. مجید تفرشی، «نقش آلمان در تحولات خلیج فارس در ابتدای قرن بیستم و جنگ جهانی اول»، در: مجموعه مقالات سمینار «بررسی مسایل خلیج فارس» ۱۳۶۹، ص ۱۶۹.
۲۸. مرتضوی، پیشین، ص ۱۳.
29. M. Parry (ed.), *Chambers Biographical Dictionary*, Chambers: Harrap Publishers Ltd, 2001, p. 1749
30. Mohammad Gholi Majd, *The Great American Plunder of the Persia's Antiquities 1925-1941*, USA: University of New York, 2003, pp. 117-119.
۳۱. محمد قلی مجد، آمریکا و ایلغار آثار باستانی ایران، ترجمه بهرام آجرو، چاپ اول، تهران: چاپ کارنگ، ۱۳۸۶، ص ۱۱.
۳۲. همان، ص ۱۷۶.
۳۳. همان، ص ۱۷۷.
۳۴. برای اطلاع بیشتر به سایت مرکز اسناد و میراث فرهنگی کشور نگاه کنید:
<http://www.ichodoc.ir/>
۳۵. پزار، پیشین، ص ۴۴.
36. G. L. Possehl, "Indus-Mesopotamian Trade: The Record in the Indus," *Iranica Antiqua*, XXXVII, 2002, p. 337;
- E. C. L., During Caspers, "Harappan Trade in the Arabian Gulf in the Third Millennium BC.," *Mesopotamia*, VII, 1972, p. 169.
37. G. L. Possehl, "Fifty Years of Harappan Archaeology: The Study of the Indus Civilisation Since Indian Independence," in: S. Settar and R. Korisettar (eds.), *Indian Archaeology in Retrospect II: Protohistory Archaeology of the Harappan Civilization*, Delhi: Indian Council of Historical Research, 2002, p. 37.
38. M. Tosi & M. Piperno, "Lithic Technology behind the Ancient Lapis Lazuli

Trade,” *Expedition*, XVI, 1973, p. 15.

۳۹. عبدالحسین زرین کوب، تاریخ مردم ایران قبل از اسلام، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۸، ص ۱۵۳.

40. Mark Horton, “The African Diaspora in the Persian Gulf,” *The International Congress on Persian Gulf*, 19-21 May 2009, Iran, Tehran, pp. 1-8.

41. M. C. Smith & H. T. Wright, “The Ceramics from Ras Hafun in Somalia: Notes on a Classical Maritime Site,” *Azania* 23, 1988, pp. 115-141.

42. M. Horton & J. Middleton, *The Swahili: the Social Landscape of a Merchantile Society*, 2000, Oxford: Blackwells;

- D. Whitehouse, “East Africa and the Maritime Trade of the Indian Ocean A.D. 800-1500,” in: B. S. Amoretti (ed.), *Islam in East Africa: New Sources* (Archives, Manuscripts and Witten Historical Sources, Oral History, Archaeology) Rome: Heder, 2001, pp. 411-424.

۴۳. ابراهیم مرادی، «نقش و امنیت در توسعه اقتصادی بنادر ایرانی خلیج فارس از ابتدای دوره اسلامی تا ابتدای دوره صفویه»، در: کنگره بین المللی خلیج فارس؛ ۲۹-۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۸، تهران: بنیاد ایران شناسی، ۱۳۸۸، صص ۲۶۱-۲۶۲.

۴۴. سرپرسی سایکس، هشت هزار مایل در ایران، ترجمه حسین سعادت نوری، انتشارات آسمان، ۱۳۶۳.

45. A. M. Pollard, “Why Teach Heisenberg to Archaeologists?” *Antiquity* 69 (263), 1995, p. 242.

۴۶. بختیاری، پیشین، ص ۳۲.

۴۷. جورج کرزن، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، جلد دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷، ص ۶۵۲.

۴۸. سرپرسی سایکس، تاریخ ایران، ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران: انتشارات کتب ایران، بی تا، ص ۳۰۲.

۴۹. آرنولد تالبوت ویلسون، خلیج فارس، ترجمه محمد سعیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶، ص ۲۳۳.

۵۰. همایون الهی، خلیج فارس و مسایل آن، تهران: انتشارات قومس، ۱۳۷۳، ص ۶۸؛ جهانگیر قائم مقامی،

بحرین و مسایل خلیج فارس، تهران: انتشارات طهوری، ۱۳۴۱، ص ۱۵.

۵۱. عباس امیری، «خلیج فارس و اقیانوس هند در سیاست بین الملل»، در: مجموعه مقالات سمینار پژوهشهای پیرامون خلیج فارس، تهران: مرکز پژوهشهای سیاسی و اقتصادی بین المللی، ۱۳۵۵، ص ۱۷.

